

نسل جدید ایران را با رهبران
و بنیانگذاران حزب توده ایران آشنا کنید

پروین گنابادی ادیب سرخ خراسانی

پروین گنابادی، از بزرگان ادبیات کهن ایران بود. طلبه مدرسه مذهبی "فاضل خان" مشهد؛ که علوم دینی تا پایان فقه؛ منطق و حکمت را در آن به پایان برد و برجسته ترین شاگرد "ادیب نیشابوری" شد. بعدها از روحانیت و دروس مذهبی بسیار فاصله گرفت و به حزب توده ایران پیوست. این یگانه پدیده و عجیب ترین پدیده نبود، پیش از او نیز چنین شده بود و پس از او نیز چنین شد. حزب توده ایران با این پدیده تاریخی آشناست و به همین دلیل زود گرمی و سردی اش نمی کند!

پروین گنابادی، پیش از آنکه به حزب توده ایران بپیوندد در تشکیلات سیاسی "جوانان اسلامی" در مشهد فعالیت می کرد. پس از پیوستن به حزب توده ایران، تا برعهده گرفتن تبلیغات کل حزب پیش رفت. او در نخستین کنگره حزبی به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد. او از شخصیت های بسیار مورد احترام مردم مشهد و محافل ادبی کشور بود. در انتخابات دوره چهاردهم، از طرف حزب کاندیدای مجلس شد. علیرغم همه تقلب هایی که در این انتخابات شد، گنابادی در خراسان آن دوران بیش از 10 هزار رای در سبزوار آورد. روحانیت مشهد و دربار شاهنشاهی از هر امکانی که در اختیار داشتند برای جلوگیری از رفتن او بعنوان نماینده به مجلس استفاده کردند، اما این کارشکنی هیچ تاثیر در اعتبار مردمی گنابادی، این ادیب بزرگ خراسانی بوجود نیاورد و راهی مجلس و تهران شد.

پروین گنابادی در سال 1282 در مشهد متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس قدیم گناباد و فردوس و قائن (شهرهای مرکزی و جنوبی خراسان) گذراند و از 15 سالگی برای تکمیل تحصیلات قدیمه خود راهی مشهد شد. در مدرسه فاضل خان و در محضر درس ادیب پیشاوری، نویسنده و شاعر بزرگ ایران در اواخر قرن 13 هجری، تحصیلات خود را تکمیل کرد.

زندگی سیاسی او از سال 1301 در مشهد شروع شد. در این سال فعالیت خود را در جمعیت "جوانان اسلامی" مشهد که از دسته های پیشرو و مترقی بود شروع کرد و مسئول اداره کلاس سالمندان این جمعیت شد.

لزوم وحدت تشکیلات آزادیخواهی او را وادار کرد تا در همان اوان با عده ای دیگر از اداره کنندگان تشکیلات "جوانان اسلامی" به حزب **اجتماعیون** (سوسیالیست) بپیوندند. ولی این همکاری دیری نپایید. رخنه عده ای از مرتجعین قائلان به این تشکیلات سبب قطع ارتباط او و عده ای دیگر از جوانان آزادیخواه از آن شد. پروین پس از آن یک تشکیلات کارگری تاسیس کرد و برای در امان بودن از مزاحمت های بی وقفه مرتجعین مذهبی کانونی بنام "قرائت خانه عمومی" تاسیس کرد و کلاس های سیاسی خود را در این محل برپا کرد.

او با سمت عضویت هیئت مدیره این جمعیت، با روزنامه هائی از قبیل "خورشید"، "مینو" و "صدای شرق"، که حاضر به همکاری با آنان شده بودند، تشریک مساعی می کرد و از همان زمان مقالات سیاسی و اشعار برگزیده خود را علیه سیاست های استعماری در این روزنامه ها منتشر می کرد.

اشعار او، همه در راه مبارزه توده مظلوم و در راه بیداری و هشیاری آنان بود، گرچه اغلب در قالب کلاسیک و به سبک قدیمی است، ولی این برتری را بر اشعاری از قبیل خود داشت که در خدمت مبارزه آزادیخواهانه و حقوق کارگران و زحمتکشان بود.

در سال 1302 با شغل آموزگاری وارد فرهنگ شد و در عین حال کلاس سالمندانی را بنام "پروین" تاسیس کرد و سواد آموختن به کارگران را آغاز کرد.

در شهریور 1304 شهربانی مشهد او و سایر اعضای هیئت مدیره قرائت خانه عمومی را توقیف کرد. با استقرار سلطنت پهلوی، او و دیگر رفقایش بعنوان عفو عمومی آزاد شدند.

اواخر سال 1305 بعلت فشار شدید شهربانی و مسافرت اغلب اعضای هیئت مدیره قرائت خانه به خارج از ایران، قرائت خانه و تشکیلات وابسته به آن به ظاهر تعطیل شد و کتابخانه آن را به کتابخانه معارف مشهد تحویل دادند.

پروین در سال 1308 مجددا وارد تشکیلات مخفی کارگری شد و تا 1309 که عده کثیری از کارگران و رفقای او توقیف شدند فعالیت سیاسی او ادامه داشت. از این پس شرایط دشوار مبارزات سیاسی و فشار و تعقیب دائمی مامورین شهربانی و آگاهی، که محیط را برای هر گونه فعالیت سیاسی سخت نامساعد می کرد، او را کم کم از هرگونه فعالیت سیاسی باز می داشت. بدین طریق دوران سال هائی را که به شهریور 20 ختم شد پروین فقط به فعالیت های محلی در فرهنگ و محل کار خود مشغول بود.

سابقه سیاسی او باعث می شد که روسای فرهنگ محل در اغلب موارد به نظر و راهنمایی های او توجه کنند، زیرا مقام و موقعیت برجسته ادبی او موجب می شد تا با همه بهانه جوئی ها، نتوانند در باره موقعیت فرهنگی و ادبی او چون چرا کنند. 20 سال خدمت فرهنگی او، که در طی آن از کلاس اول دبستان تا سال ششم دبیرستان را تدریس کرده بود، زمینه محبوبیت بسیار وسیعی برای او در مشهد ایجاد کرده بود.

آخرین شغل او در فرهنگ، قبل از آنکه بعنوان نمایندگی مجلس شورای ملی از (سبزوار) به تهران بیاید، ریاست دانشسرای دختران مشهد بود. در مدت خدمت خود در فرهنگ خراسان، به همت او، دو کتابخانه، یکی در دبیرستان شاهرضا و دیگری در دانشسرای دختران تاسیس شد. او در این مدت برای تدریس ادبیات فارسی و عربی همیشه در پی روش های نوینی بود و شیوه ای را که امروز برای آموختن الفبا بکار می برند ابتدا در مشهد و به ابتکار او بکار رفت.

واژگون شدن حکومت دیکتاتوری رضاخان به پروین گنابادی امکان داد که از نو در محیط جدیدی که ایجاد شده بود به فعالیت بپردازد. او بلافاصله پس از شهریور 20، با یک عده از دوستان خود، به تشکیل یک جمعیت ضد فاشیستی اقدام کرد و درآبان 1320 روزنامه "اردیبهشت" را بعنوان ارگان این جمعیت بنیان گذارد. این روزنامه را او به کمک باقرعاملی در 12 صفحه بطور هفتگی، فقط تا چهار شماره، توانست منتشر کند. پس از انتشار شماره چهارم آن را توقیف کردند. (در کابینه فروغی).

خبر تشکیل حزب توده ایران در همین ایام به او رسید و او رفقا و دوستان و همکاران نزدیک و دور خود را جمع کرد و افکار آنان را، برای پیوستن به حزب آماده ساخت. مقدمات کار فراهم شد. چند حوزه ای نیز تشکیل داد. محمود بقراطی با ماموریت تشکیلاتی از طرف کمیته مرکزی راهی خراسان شد و کمیته ایالتی خراسان حزب کار علنی خود را آغاز کرد.

در همین زمان مجددا هفته نامه "اردیبهشت" از توقیف خارج شد و پروین گنابادی آن را بعنوان اولین ارگان کمیته ایالتی خراسان منتشر ساخت. این اولین ارگانی است که در تمام تشکیلات حزب توده ایران منتشر شد.

در کابینه اول قوام السلطنه، "اردیبهشت" نیز بار دیگر، همچون تمام روزنامه های دیگر، توقیف شد و امتیاز آن لغو گردید. در 9 فروردین 1322 او امتیاز روزنامه "راستی" را توانست بنام خود بگیرد و در 17 فروردین همان سال بعنوان ارگان کمیته ایالتی خراسان اولین شماره آن را منتشر ساخت.

گنابادی در 1322 از سبزوار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. و از آغاز ورود به تهران از طرف کمیته مرکزی به عضویت هیئت تحریریه "رهبر" ارگان مرکزی حزب انتخاب شد و در تمام دوران فعالیت خود در تهران در "رهبر" نیز کار می کرد. در **نخستین کنگره** حزبی به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و پس از آن مسئولیت تبلیغات کل حزب به او واگذار گردید. ریشه های چندین دهه سکوت در دو نظام شاهنشاهی و جمهوری اسلامی در باره این شخصیت برجسته و ادیب بزرگ ایرانی به این سوابق باز می گردد که خواندید.